

بررسی تأثیر شاخص‌های کیفی حسابرس بر عدم تقارن اطلاعاتی

دکتر محمدرضا عباس‌زاده^۱، مصطفی قناده^۲، فائزه غلامی مقدم^۳

- ۱- دانشیار گروه آموزشی حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. Abbas33@um.ac.ir
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. Ghannad@Stu.um.ac.ir
۳- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. Fa.gholamimoghaddam@Stu.um.ac.ir

چکیده

جدایی مالکیت از مدیریت باعث وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه شده و انتظار می‌رود حسابرس با کیفیت به عنوان نهاد نظارتی، موجبات کاهش عدم تقارن اطلاعاتی را فراهم آورد. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر شاخص‌های کیفی حسابرس بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش از شش سنجش تجدید ارائه صورتهای مالی، تخصص حسابرس در صنعت، رتبه موسسه حسابرسی، اندازه حسابرس، تغییر حسابرس و نوع حسابرس به عنوان شاخص‌های کیفی حسابرس استفاده شده است. نمونه آماری این پژوهش شامل ۲۲۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چندگانه بهره گرفته شده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد بین تجدید ارائه صورتهای مالی، تغییر حسابرس و نوع حسابرس با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود ندارد، ولی بین تخصص حسابرس در صنعت، رتبه حسابرس و اندازه حسابرس با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت بهتر، هرچه سطح بالاتری از کیفیت حسابرسی را داشته باشیم؛ میزان عدم تقارن اطلاعاتی کمتر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابرسی، تجدید ارائه صورتهای مالی، تخصص حسابرس در صنعت، اندازه حسابرس، عدم تقارن اطلاعاتی.

۱. مقدمه

با جدایی مالکیت از مدیریت در شرکت‌های بزرگ، این امکان به وجود آمده است که مدیران تصمیماتی اتخاذ نمایند که همسو با منافع خود بوده و با منافع سهامداران در تضاد باشد (جنسن و مک لینگ^۱، ۱۹۷۶). فرض اساسی در تئوری‌های مالی آن است که هدف اولیه شرکت‌ها افزایش ثروت سهامداران می‌باشد؛ اما در عمل این گونه نیست. به بیان دیگر، مدیران همواره به دنبال منافع مالکان نیستند؛ بلکه این امکان وجود دارد که آنها جهت افزایش منافع خود از ثروت مالکان استفاده کنند. نتیجه این تفکر مدیران، منجر به عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و مالک می‌گردد (جیدسدال^۲، ۱۹۸۱). عدم تقارن اطلاعاتی زمانی به وجود می‌آید که اطلاعات در اشکال گوناگون و در زمان‌های مختلف در بازار توزیع گردد که این امر زمینه سودهای غیرمجاز و کلان را فراهم می‌نماید. افزون بر این، اطلاعات نامتقارن در عمل موجب دسترسی برخی افراد به اطلاعات دقیق و برخی دیگر به اطلاعات ناسالم می‌گردد که برای تصمیم‌گیری در بازار سرمایه قابل استفاده نیستند (نوری‌فرد، ۱۳۷۷). چن و همکارانش^۳ (۲۰۰۷) نشان دادند که وجود مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی مناسب، کمیت و کیفیت اطلاعات افشاء شده توسط شرکت را افزایش داده و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. یکی دیگر از عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری، ارائه اطلاعات مناسب و مرتبط با موضوع تصمیم است. در صورتی که اطلاعات مورد نیاز به صورتی نامتقارن بین افراد توزیع گردد (انتقال اطلاعات به صورت نابرابر بین مردم صورت گیرد) می‌تواند منجر به نتایج متفاوتی نسبت به موضوع واحدی شود. بنابراین، پیش از آن‌که خود اطلاعات برای فرد تصمیم‌گیرنده مهم باشد؛ این کیفیت توزیع اطلاعات است که باید به صورت دقیق مورد ارزیابی قرار گیرد. گسترش روزافزون واحدهای اقتصادی، توسعه فناوری ارتباطات و وجود تضاد منافع، نیازهای نظارتی را به وجود می‌آورد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد تقاضا برای حسابرسی پیش از آن‌که الزام قانونی مطرح باشد؛ وجود داشته است. محصول استراتژیک حسابرسی صورتهای مالی برای ذی‌نفعان اعتباردهی در خصوص اطلاعات مالی ارائه شده توسط شرکت‌ها بوده است. در دنیای نامطمئن کنونی، از حساب‌برسان شرکت‌ها انتظار می‌رود تا با ارائه خدمات حرفه‌ای، استفاده‌کنندگان را از نحوه ارائه وضعیت و عملکرد مالی مطلع نمایند و آرامشی نسبی را برایشان با کاهش عدم اطمینان نسبت به ادعاهای مدیریت فراهم آورند. بنابراین می‌توان گفت که افزون بر نقش اقتصادی حسابرسی شاهد تأثیر اجتماعی و روان‌شناختی آن نیز می‌باشیم (جعفری و همکاران، ۱۳۹۲). به طور کلی، هدف حساب‌برسان حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریف‌ها و اشتباه‌های با اهمیت موجود در صورتهای مالی است. حساب‌برسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. همچنین محققان شواهدی را فراهم نموده‌اند که حسابرسی موجب کاهش تضاد نمایندگی و کاهش احتمال بروز عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و مدیران می‌شود (جنسن و مک لینگ، ۱۹۷۶). در این راستا، مسأله اصلی این پژوهش بررسی تأثیر شاخص‌های کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و سعی می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که آیا کیفیت حسابرسی بالاتر موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان استفاده‌کنندگان صورتهای مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌گردد یا خیر؛ و اگر اینگونه است؛ این تأثیر چگونه قابل تفسیر است؟

¹ Jensen and Meckling.

² Giedsdal.

³ Chen et al.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱.۲. کیفیت حسابداری

پس از سال‌ها پژوهش، در سال ۱۹۸۱ یک تعریف معمول از کیفیت حسابداری توسط دی‌آنجلو^۴ به این صورت مطرح شده است: «سنجش و ارزیابی بازار از توانایی حسابداری در کشف تحریف‌های با اهمیت و گزارش تحریف‌های کشف شده». بنابراین طبق تعریف دی‌آنجلو کیفیت حسابداری، افزایش توانایی حسابداری در کشف تحریف‌های حسابداری و ارزیابی توانایی و استقلال حسابرس توسط بازار است. پیش از این، دیویدسان و نئو^۵ در سال ۱۹۳۳ تعریف متفاوتی از کیفیت حسابداری ارائه کردند: «کیفیت حسابداری به توانایی حسابداری در کشف و برطرف کردن تحریف‌های با اهمیت و دستکاری در سود خالص گزارش شده مربوط می‌شود». تیتمن و ترومن^۶ (۱۹۸۶) و بیٹی^۷ (۱۹۸۹) کیفیت حسابداری را میزان صحت و درستی اطلاعاتی که بعد از حسابداری در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد؛ تعریف می‌کنند. همچنین کیفیت حسابداری به عنوان احتمال این که صورتهای مالی پس از رسیدگی حسابرس عاری از تحریف با اهمیت باشد؛ بیان شده است (پالمروس^۸، ۱۹۸۸). کیفیت حسابداری به صورت مستقیم قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست. بنابراین محققان متغیر یا متغیرهایی را به عنوان جایگزین برای اندازه‌گیری آن در نظر می‌گیرند. این متغیرهای جایگزین هر کدام به مواردی توجه دارند. برخی از آنها روی ارقام صورتهای مالی تمرکز دارند؛ برای نمونه، تحریف‌های صورتهای مالی (کارسلو و ناگی^۹، ۲۰۰۴). برخی دیگر به اقدام تعهدی توجه کرده‌اند (جانسون^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۲؛ چونگ^{۱۱}، ۲۰۰۵؛ چای و هونگ^{۱۲}، ۲۰۰۵؛ کری و سیمنت^{۱۳}، ۲۰۰۶؛ گل^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۷؛ کوهن^{۱۵} و همکاران، ۲۰۰۸؛ دیویس^{۱۶} و همکاران، ۲۰۰۹؛ آدرین^{۱۷} و همکاران، ۲۰۱۲). نوع گزارشات حسابداری نیز به عنوان جایگزین دیگری در تحقیقاتی به کار گرفته شده است؛ برای نمونه، گایگر و راگوناندان^{۱۸} (۲۰۰۲) و رویز باربادیلو^{۱۹} و همکاران (۲۰۰۹). افزون بر این، در برخی پژوهش‌ها (گاش و مون^{۲۰}، ۲۰۰۵؛ علوی طبری و بشیری منش، ۱۳۹۲) از ضریب واکنش سود برای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری استفاده کرده‌اند. دسته‌ای از محققان هم به تجدید ارائه صورتهای مالی به عنوان معیاری برای کیفیت حسابداری پرداخته‌اند (مایرز^{۲۱} و همکاران، ۲۰۰۳).

⁴ DeAngelo

⁵ Davidson and Neu

⁶ Titman and Trueman

⁷ Beatty

⁸ Palmrose

⁹ Carcello and Nagy

¹⁰ Johnson

¹¹ Chong

¹² AND Hong

¹³ Carey and Simnett

¹⁴ Gul

¹⁵ Cohen

¹⁶ Davis

¹⁷ Adrin

¹⁸ Geiger & Raghunandan

¹⁹ Ruiz BarbadyLO

²⁰ Ghosh & Moon

²¹ Myers

ولیکن به عنوان مهمترین شاخص کمی جهت اندازه‌گیری کیفیت حسابرس، می‌توان به اندازه حسابرس اشاره کرد. اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی با هم رابطه مستقیمی دارند؛ به طوری که هر چه اندازه حسابرس بزرگتر باشد؛ کیفیت حسابرسی هم بالاتر خواهد بود. منظور از اندازه حسابرس، حسن شهرت حسابرس (نام تجاری) است. در نتیجه حسن شهرت حسابرس، اعتبار اطلاعات صورتهای مالی افزایش یافته و لذا کیفیت حسابرسی بالاتر خواهد بود (وان تندلو^{۲۲}، ۲۰۰۸؛ چن و همکاران، ۲۰۰۵). از شاخص‌های کاربردی دیگر برای کیفیت حسابرسی، می‌توان به تخصص حسابرس در صنعت اشاره نمود؛ پژوهش‌های اخیر ثابت کرده‌اند که حسابرسان متخصص صنعت، خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتری را ارائه می‌دهند (برای نمونه: کریشان^{۲۳}، ۲۰۰۳). کند^{۲۴} (۲۰۰۸) تخصص حسابرس در صنعت را به صورت زیر تعریف می‌نماید: «تخصص حسابرس در صنعت شامل خلق ایده‌های سازنده جهت کمک (خلق ارزش افزوده) به صاحب کاران، همچنین فراهم نمودن دیدگاه‌ها و یا راهکارهای تازه برای برخی از موضوعاتی که صاحب کاران در صنایع مربوط به خود با آن مواجه‌اند؛ می‌شود.»

۲،۲. عدم تقارن اطلاعاتی

وضعیت عدم تقارن اطلاعاتی، وضعیتی است که مدیران در مقایسه با سرمایه‌گذاران دارای اطلاعات افشاء نشده بیشتری در مورد عملیات و جوانب مختلف شرکت در آینده می‌باشند. سرمایه‌گذاران تنها به واسطه اطلاعات صورتهای مالی قادر به واکنش به موقع در بازار سهام نمی‌باشند و همواره تمایل به کسب اطلاعات محرمانه دارند. که این امر احتمالاً منجر به کاهش نقدشوندگی بازار و افزایش هزینه سرمایه می‌شود (هاشمی شیخ شبانی، ۱۳۹۴). طبق تئوری نمایندگی، تضادمنافع نیز می‌تواند منجر به عدم تقارن اطلاعاتی گردد. یکی از راه‌های کاهش عدم تقارن اطلاعاتی انجام حسابرسی سالانه می‌باشد. یکی از مشکلات نمایندگی مربوط به ناتوانی سهامدار در درک عملیات و اقدامات مدیر است (جنسن، ۱۹۸۸؛ هلمسترم^{۲۵}، ۱۹۷۹). سهامدار نمی‌تواند اقدامات مدیر را به طور روزانه دنبال کند تا مطمئن شود که آیا تصمیم‌گیری‌های مدیر، منطبق با منافع سهامدار است یا خیر؛ بنابراین، سهامدار فاقد اطلاعات لازم در خصوص عملیات مدیر است. این حالت را در اصطلاح تئوری نمایندگی «عدم تقارن اطلاعاتی»^{۲۶} می‌نامند. در این صورت اگر از طرف سهامدار روشی جهت کنترل عملیات مدیر به وجود نیاید؛ فقط مدیر می‌داند که آیا در راستای منافع سهامدار گام برداشته است یا خیر؛ از طرف دیگر، مدیر نسبت به اقداماتی که در سازمان باید صورت گیرد؛ بیشتر از سهامدار اطلاع اجرایی دارد. این اطلاع اضافی مدیر، در تئوری نمایندگی «اطلاعات خصوصی»^{۲۷} نامیده می‌شود. وجود اطلاعات خصوصی، به عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامدار و مالک می‌افزاید. تئوری نمایندگی عمدتاً به تضاد منافع موجود بین مدیریت و مالکیت اشاره دارد. با بزرگتر شدن شرکت‌ها، مالکان اداره شرکت را به مدیران تفویض کرده‌اند. جدایی مالکیت از مدیریت، منجر به مشکلات نمایندگی می‌شود. یعنی سهامدار به دنبال رسیدن به بالاترین مرحله ارزش سرمایه‌گذاری است و مدیر نیز در وهله اول به دنبال افزایش ثروت خود می‌باشد؛ بنابراین، این احتمال وجود دارد که مدیر، در راستای منافع سهامدار عمل ننماید. اختلاس و فساد مالی مدیر و خارج ساختن منافع سهامدار از شرکت، نمونه‌هایی افراطی از این تضادمنافع می‌باشند. لذا از آنجایی که سهامداران به عنوان اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان منابع

²² Van Tendeloo

²³ Krishnan

²⁴ Kend

²⁵ Holmstrom

²⁶ Informational Asymmetry

²⁷ Private Information

شرکت‌ها متقاضی اطلاعات کامل شرکت‌ها هستند؛ عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران، مسأله انتخاب نادرست را در تعیین قیمت‌های پیشنهادی مناسب به وجود می‌آورد (موسوی شیری، خلعت‌بری و فیروزبخت، ۱۳۹۴). بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که هر چه حسابرسی با کیفیت بالاتری انجام شود، سطح عدم تقارن اطلاعاتی نیز کاهش محسوس‌تری دارد.

۳،۲. پیشینه پژوهش

چن و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی تحت عنوان کیفیت حسابرسی و مدیریت سود برای شرکت‌های درگیر در عرضه عمومی سهام تایوان، با انتخاب ۴ شرکت بزرگ حسابرسی به عنوان حساب‌برسان با کیفیت و مقایسه سود در شرکت‌های حسابرسی شده توسط این ۴ شرکت با سود در سایر شرکت‌هایی که توسط غیر این ۴ شرکت حسابرسی شده‌اند؛ به بررسی ارتباط کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در مراحل قبل و بعد از عرضه عمومی سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اولاً، در چنین شرکت‌هایی مدیریت سود رخ می‌دهد و ثانیاً، بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد؛ به این صورت که بالاتر بودن کیفیت حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود در این شرکت‌ها می‌شود.

ون و سویونگ^{۲۸} (۲۰۱۰) در مقاله خود تغییر مؤسسات حسابرسی را به عنوان عاملی اثربخش بر کیفیت حسابرسی توصیه کردند. پژوهش آنها با هدف بررسی تأثیر تغییر مؤسسات حسابرسی بر ساعات کار حساب‌برسان، هزینه‌های حسابرسی و کیفیت حسابرسی صورت گرفته است. آنها به این نتیجه رسیدند که تغییر مؤسسات حسابرسی سبب افزایش ساعات کار حسابرسی و افزایش دستمزد حساب‌برسان می‌شود. همچنین کیفیت حسابرسی بدون تغییر باقی مانده و حتی در برخی موارد کاهش یافته است. حکیم و عمری (۲۰۱۰) نیز به بررسی رابطه کیفیت حساب‌برس مستقل، عدم تقارن اطلاعاتی و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام پرداختند. معیار کیفیت حساب‌برس مستقل در پژوهش آن‌ها حساب‌برسان چهار شرکت بزرگ، تخصص حساب‌برس در صنعت و دوره تصدی حساب‌برس است. همچنین آن‌ها دریافتند اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام با حساب‌برسان چهار شرکت بزرگ و تخصص حساب‌برس در صنعت رابطه منفی و با دوره تصدی حساب‌برس رابطه مثبت دارد.

زوری‌گت^{۲۹} (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های اردنی پرداخت. یافته‌های مطالعه وی نشان می‌دهد که بین مالکیت نهادی و مالکیت خارجی با کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین تمرکز مالکیت نهادی و کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. لارنس و همکاران^{۳۰} (۲۰۱۱) به مطالعه این موضوع پرداختند که آیا می‌توان تفاوت کیفیت حسابرسی چهار موسسه بزرگ در مقابل چهار موسسه غیربزرگ را به مشخصات صاحب‌کاران نسبت داد یا خیر. در این بررسی از موضوعات کیفیت حسابرسی، ارقام تعهدی اختیاری، هزینه حقوق صاحبان سهام پیش‌بینی شده و صحت پیش‌بینی تحلیل‌گر استفاده شد. نتایج نشان داد که تفاوت در این موارد بین چهار موسسه بزرگ و چهار موسسه غیربزرگ حساب‌برسان تا حد زیادی با خصوصیات صاحب‌کاران و به طور خاص با اندازه صاحب‌کار منطبق است.

مجته‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهشی به عنوان عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حساب‌برسان مستقل و استفاده‌کنندگان، ۲۴ عامل مؤثر در کیفیت حسابرسی را شناسایی کرده که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: بازدید حساب‌برس مستقل

28 Kwon and Soo Young
29 Zureigat
30 Lawrence

شریک و مدیر ارشد از مراحل کار حسابرسی، داشتن اطلاعات کافی در مورد صنعت صاحبکار و اهمیت حق‌الزحمه حسابرسی برای مؤسسه حسابرسی.

رحیمیان و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی نقش سهامداران نهادی در کیفیت حسابرسی صورتهای مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. در این مطالعه از سه معیار اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرسی در صنعت و نوع گزارش حسابرسی به عنوان شاخص‌های کیفیت حسابرسی استفاده کرده‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای سطوح بالاتر از مالکیت نهادی، از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردار می‌باشند؛ این در حالی است که تمرکز مالکیت نهادی موجب کاهش در کیفیت حسابرسی می‌گردد.

سجادی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی پرداختند. آن‌ها از دو معیار ارقام تعهدی جاری و اختیاری، برای نشان دادن کیفیت حسابرسی استفاده کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری ندارد.

پیری، محمدی و جوادی (۱۳۹۲) طی انجام پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی، تعداد صاحب‌کاران مؤسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی به این نتیجه رسیدند که رابطه معنادار و منفی بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی وجود دارد. آن‌ها در این مطالعه برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از شاخص ارقام تعهدی غیرعادی استفاده کرده‌اند؛ همچنین اندازه مؤسسه نیز، از طریق تعداد صاحب‌کاران استخراج شده است.

جعفری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود به بررسی تأثیر چرخش حسابرسان بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای بررسی کیفیت حسابرسی متغیرهای تحریف مالیاتی، تحریف در برآوردهای حسابداری، تحریف قوانین، تحریف ناشی از اشتباه در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری و سایر تحریف‌ها به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که تغییر حسابرس با کشف تحریف‌های مالیاتی و تحریف ناشی از اشتباه در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری رابطه معناداری دارد و باعث افزایش نسبت موفقیت کشف این تحریف‌ها شده است. اما چنین رابطه‌ای بین تغییر حسابرس و تحریف در برآوردهای حسابداری، تحریف قوانین و سایر تحریف‌ها دیده نشد.

۴،۲. فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به مباحث مطرح شده در مبانی نظری و پیشینه پژوهش و به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، شش فرضیه به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین تخصص حسابرس در صنعت و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین رتبه مؤسسه حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین اندازه حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین تغییر حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ششم: بین نوع حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی می‌باشد؛ هدف پژوهش کاربردی، توسعه دانش کاربردی در زمینه خاص است. از سوی دیگر، از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی- علی است. اجرای پژوهش‌های توصیفی صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا به منظور یاری رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری می‌باشد. با توجه به دسته‌بندی‌های مختلف پژوهش‌های توصیفی، پژوهش حاضر از نوع همبستگی خواهد بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از «آنالیز رگرسیون چندگانه» استفاده شده است. به منظور انجام پژوهش، داده‌های کمی مورد نیاز از صورتهای مالی حسابرسی شده شرکت‌ها و سایر گزارش‌های مالی آن‌ها و همچنین، نرم افزار ره‌آورد نوین استخراج شده است. داده‌ها پس از جمع‌آوری در صفحه گسترده اکسل، تلخیص و طبقه‌بندی شده و در نهایت با استفاده از نرم‌افزارهای اقتصادسنجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۴. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش، تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۵ ساله (سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳) بوده است. همچنین برای همگن کردن جامعه انتخابی از بین شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، اعضای جامعه آماری این پژوهش بایستی شرایط ذیل را داشته باشند:

۱) جزء صنایع واسطه‌گری‌های مالی و پولی، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، شرکت‌های بیمه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری نباشند.

۲) اطلاعات مالی و مدیریتی آن‌ها طی بازه زمانی فوق موجود باشد.

۳) شرکت مابین سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ تغییر سال مالی نداده باشد.

با در نظر گرفتن محدودیت‌های فوق، ۲۲۸ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است.

۵. مدل و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش برای بررسی تأثیر شاخص‌های کیفی حسابرس بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از مدل رگرسیون چندگانه به شرح زیر استفاده شده است:

$$SPREAD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FR_{i,t} + \beta_2 A SPEC_{i,t} + \beta_3 A Rank_{i,t} + \beta_4 A Size_{i,t} + \beta_5 A Change_{i,t} + \beta_6 A Type_{i,t} + \beta_7 Size_{i,t} + \beta_8 Growth_{i,t} + \beta_9 Profit_{i,t} + \beta_{10} CFO_{i,t} + \beta_{11} A Busy_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

عدم تقارن اطلاعاتی (Information asymmetry): عدم تقارن اطلاعاتی یک مفهوم کیفی است؛ برای این که قادر باشیم آن را در قالب اعداد و ارقام بیان کنیم؛ به مدلی نیاز داریم تا بتوانیم آن را کمی کنیم. برای این کار از دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام استفاده می‌کنیم. این مدل توسط پانگ و وکیتاش در سال ۱۹۸۶ برای تعیین دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام مورد استفاده قرار گرفت. پس از آن‌ها نیز افراد دیگری از این مدل بهره گرفتند. مدل مذکور به شرح زیر می‌باشد:

$$SPREAD = \frac{(AP - BP)}{(AP + BP)} \times 100$$

که در آن:

SPREAD: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام

AP (ASK PRICE): میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت A در دوره مورد بررسی

BP (BID PRICE): میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت A در دوره مورد بررسی

تجدید ارائه صورتهای مالی^{۳۱} (FR): ارائه مجدد و مستمر اقلام در دوره‌های پی در پی و رواج آن میان شرکت‌ها، به اعتبار صورتهای مالی آسیب می‌رساند و موجب تخصیص و توزیع ناکارآمدتر و کاهش اعتماد مردم به بازارهای سرمایه می‌گردد (بهارمقدم و دولت‌آبادی، ۱۳۹۱). یکی از دلایل تجدید ارائه صورتهای مالی، موارد ناشی از کیفیت حسابداری صورتهای مالی می‌باشد که هر اندازه کیفیت و میزان شناخت حسابرس از فعالیت صاحبکار بیشتر باشد؛ احتمال تجدید ارائه صورتهای مالی در سال‌های آتی کمتر می‌گردد (ساعی و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش، تجدید ارائه صورتهای مالی با استفاده از درصد تغییرات در سود شرکت محاسبه می‌شود.

تخصص حسابرس در صنعت (A SPEC): در این تحقیق با توجه به تحقیقات پالمروس (۱۹۸۶)، نیل و ریلی^{۳۲} (۲۰۰۴)، وان^{۳۳} و همکاران (۲۰۰۷) و لیم و تان^{۳۴} (۲۰۱۰) تخصص حسابرس را بر اساس روش سهم بازار اندازه گرفته شده است. برای تعیین حسابرسان متخصص با استفاده از این روش در ابتدا با استفاده از فرمول زیر، سهم بازار موسسه حسابداری در صنایع مختلف به دست می‌آید.

$$IMS_{ik} = \frac{\sum_{j=1}^I Sales_{ijk}}{\sum_{i=1}^I \sum_{j=1}^I Sales_{ijk}}$$

IMS: سهم بازار در صنعت عبارت است از درآمد فروش صاحبکاران موسسه حسابداری i در صنعت k تقسیم بر درآمد

فروش تمام صاحبکاران در صنعت k .

با پیروی از سان و لیو^{۳۵} (۲۰۱۳) و اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸) در ادامه کار با مرتب کردن این مقادیر و مقایسه آن با نقطه برش تعریف شده (۱/۲ * تعداد شرکت‌های موجود در صنعت/۱) در روش سهم بازار حسابرسان متخصص تعیین می‌شوند. در صورت متخصص بودن حسابرس، متغیر AE مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار ۰ را می‌پذیرد.

رتبه موسسه حسابداری (A Rank): اگر رتبه موسسه حسابداری بر اساس رتبه‌بندی سازمان بورس، الف باشد ۱ در غیر این صورت عدد صفر درج شده است.

اندازه حسابرس (A Size): از نسبت فروش صاحبکاران موسسه حسابداری به کل فروش به دست می‌آید.

تغییر حسابرس (A Change): یکی دیگر از سنجه‌های کیفیت حسابداری، تغییر حسابرس است که در صورتی که حسابرس تغییر کرده باشد؛ عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر درج شده است.

³¹ Financial Restatement

³² Neal and Riley

³³ Wuchun

³⁴ Lim and Tan

³⁵ Sun and Liu

نوع حسابرس (A Type): به پیروی از اکالی^{۳۶} (۲۰۱۴)، احمدی و جمالی (۱۳۹۲)، خالقی مقدم و احمدخان‌بیگی (۱۳۹۰)، نمازی و همکاران (۱۳۹۰)؛ احمدپور و همکاران (۱۳۸۹)؛ گاگانیس^{۳۷} و همکاران (۲۰۰۷)، متغیر برای شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند؛ یک و برای شرکت‌هایی که توسط سسایر مؤسسات حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند، صفر درج شده است.

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت (Size): لگاریتم طبیعی کل فروش شرکت.

نرخ رشد شرکت (Growth): تغییر فروش سال جاری نسبت به سال گذشته تقسیم بر فروش سال گذشته.

جریان نقد عملیاتی (CFO): مبلغ جریان نقد عملیاتی تقسیم بر جمع دارایی‌های شرکت.

سوددهی (Profit): اگر شرکت سود داشته باشد ۱ در غیر این صورت صفر.

تراکم کار حسابرس (Busy): اگر پایان دوره مالی شرکت پایان اسفند ماه باشد یک در غیر این صورت صفر.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱) نتایج آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی در نگاره شماره (۱) آورده شده است که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. پیش از تحلیل داده‌ها و به منظور کسب شناخت بیشتر در خصوص مشخصات نمونه پژوهش و متغیرهای مورد استفاده در آن، لازم است با استفاده از شاخص‌های مرکزی و شاخص‌های پراکندگی به عنوان دو رکن اساسی آمار توصیفی، به بررسی چگونگی توزیع داده‌ها پرداخته شود. مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است. میانگین (انحراف معیار) متغیر تجدید ارائه صورتهای مالی نیز تقریباً $0/64 - (16/24)$ است. میانگین (انحراف معیار) متغیر تخصص حسابرس نیز تقریباً $0/29 (0/45)$ است؛ این نشان می‌دهد که تقریباً 30% شرکت‌های مورد مطالعه از حسابرسان متخصص استفاده می‌کنند. میانگین (انحراف معیار) متغیر رتبه موسسه حسابرسی نیز تقریباً $0/59 (0/49)$ است. میانگین (انحراف معیار) متغیر اندازه حسابرس شرکت‌های نمونه که یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی نیز می‌باشد؛ تقریباً $11/13 (18/45)$ می‌باشد. میانگین (انحراف معیار) تغییر حسابرس نیز تقریباً $0/31 (0/46)$ است؛ این نشان می‌دهد که تقریباً 31% شرکت‌های مورد مطالعه حسابرس خود را تغییر داده‌اند. همچنین میانگین (انحراف معیار) متغیر نوع حسابرس شرکت‌های نمونه که یکی دیگر از شاخص‌های اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی نیز می‌باشد؛ تقریباً $22\% (0/41)$ می‌باشد. این نشان می‌دهد که به طور متوسط تقریباً 22% شرکت‌های نمونه توسط سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند. میانگین (انحراف معیار) شاخص سوددهی شرکت نیز تقریباً $0/93 (0/25)$ است. این نشان می‌دهد که عملکرد تقریباً 93% از شرکت‌های نمونه، توأم با سودآوری بوده است. همچنین با نگاهی کلی به نتایج آماره‌های توصیفی و اینکه در اکثر متغیرهای پژوهش، مقادیر میانه و میانگین نزدیک به هم هستند؛ می‌توان بیان کرد که تمام متغیرها از توزیع مناسبی برخوردارند.

³⁶ Okolie

³⁷ Gaganis

نگاره شماره (۱) - نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

| متغیرهای پژوهش | نوع متغیر | کمینه | میانگین | بیشینه | میانه | انحراف معیار | چولگی | کشدگی |
|--------------------------|-----------|---------|---------|--------|-------|--------------|--------|---------|
| عدم تقارن اطلاعاتی | وابسته | ۰ | ۰/۰۳۹ | ۱/۰۸ | ۰/۰۳ | ۰/۰۵ | ۱۴/۴۷ | ۲۶۹/۵۷ |
| تجدید ارائه صورتهای مالی | مستقل | -۲۹۹/۸۴ | -۰/۶۴ | ۱۵۳/۵۹ | - | ۱۶/۲۴ | -۱۱/۲۲ | ۲۱۸/۹۲ |
| تخصص حسابرس در صنعت | مستقل | ۰ | ۰/۲۹ | ۱ | - | ۰/۴۵ | ۰/۹۳ | ۱/۸۶ |
| رتبه موسسه حسابرسی | مستقل | ۰ | ۰/۵۹ | ۱ | ۱ | ۰/۴۹ | -۰/۳۵ | ۱/۱۲ |
| اندازه حسابرس | مستقل | ۰ | ۱۱/۱۳ | ۴۵/۳۵ | ۱/۰۴ | ۱۸/۴۵ | ۱/۳۰ | ۲/۷۲ |
| تغییر حسابرس | مستقل | ۰ | ۰/۳۱ | ۱ | ۰ | ۰/۴۶ | ۰/۸۱ | ۱/۶۶ |
| نوع حسابرس | مستقل | ۰ | ۰/۲۲ | ۱ | ۰ | ۰/۴۱ | ۱/۳۷ | ۲/۸۷ |
| اندازه شرکت | کنترلی | ۴/۳۷ | ۱۳/۱۵ | ۱۹/۱۶ | ۱۳/۱۰ | ۱/۷۶ | -۰/۱۰ | ۵/۴۹ |
| رشد شرکت | کنترلی | -۱۰/۶۰ | ۰/۹۹ | ۵۷۱/۶۶ | ۰/۱۸ | ۱۷/۲۹ | ۳۱/۹۸ | ۱۰۵۲/۴۶ |
| سوددهی شرکت | کنترلی | ۰ | ۰/۹۳ | ۱ | ۱ | ۰/۲۵ | -۳/۴۵ | ۱۲/۹۳ |
| جریان نقد عملیاتی | کنترلی | -۱۸/۰۲ | ۲/۹۱ | ۱۲/۸۷ | ۰/۴۸ | ۹۸/۲۹ | ۱۸/۰۷ | ۶۴۵/۵۲ |
| تراکم کاری حسابرس | کنترلی | ۰ | ۰/۸۱ | ۱ | ۱ | ۰/۳۹ | -۱/۵۵ | ۳/۴۲ |

۲-۶) برآورد مدل پژوهش

از آزمون بروش-پاگان برای آزمودن واریانس ناهمسانی در مدل‌های رگرسیون خطی استفاده می‌شود که وابستگی واریانس جملات پسماند به دست آمده از رگرسیون خطی به مقادیر متغیرهای توضیح‌دهنده مدل، مورد بررسی قرار می‌گیرد. جهت انجام این آزمون، واریانس ناهمسانی مدل با فرض واریانس همسانی تخمین زده شده و مجدداً جملات پسماند روی متغیرهای توضیح‌دهنده رگرسیون به دست می‌آید. با استفاده از معادله رگرسیونی ارتباط معنادار میان جملات پسماند و متغیرهای توضیح‌دهنده مورد آزمون قرار گرفته است. با توجه به نتایج به دست آمده، شرکت‌ها به عنوان واحد مقطعی به صورت جداگانه و به طور همزمان همراه با زمان (سال‌ها) دارای ارتباط معناداری با متغیرهای توضیح‌دهنده هستند و بر مدل اثر می‌گذارند؛ درحالی‌که عامل زمان به تنهایی اثری بر مدل ندارد.

نگاره ۲- آزمون بروش و پاگان^{۳۸} (ضریب لاگرانژ^{۳۹})

| گروه | نوع | آماره بروش | سطح معناداری | نتیجه |
|-----------|-----------------|------------|--------------|---------------------|
| مدل پژوهش | مقاطع (شرکت‌ها) | ۱۴/۵۷ | ۰ | شرکت‌ها (سال‌ها) به |
| | زمان (سال‌ها) | ۱۰۹/۱۹ | ۰ | صورت جدا یا به صورت |
| | هر دو | ۱۲۳/۷۶ | ۰ | همزمان اثر گذارند. |

³⁸ Breusch-Pagan

³⁹ Lagrang Multiplier

پس از انجام دو آزمون تجمیع‌پذیری و بروش-پاگان، جهت انتخاب یکی از دو روش برآورد مدل اثرات تصادفی و اثرات ثابت از آزمون چاو^{۴۰} و آماره F لیمر استفاده شده است. با توجه به مقدار احتمال به دست آمده فرضیه صفر که بیانگر وجود اثرات ثابت در مدل است؛ رد می‌شود. بنابراین بهترین حالت برای انتخاب مدل در فرضیه‌ها، مدل بدون اثرات می‌باشد که در آن فرض می‌شود عرض از مبدأ برای هر یک از مقاطع (شرکت‌ها) متفاوت است. با توجه به رد فرضیه صفر آزمون چاو، نیازی به بررسی و انجام آزمون هاسمن نمی‌باشد.

۶-۲-۱) آزمون چاو (F لیمر) و هاسمن

با توجه به نتایج نگاره ۳، مدل خاصیت پانل‌پذیری داشته؛ به همین دلیل اثرات ثابت و تصادفی متغیرهای وابسته را از نظر قدرت توضیح‌دهندگی باید از نظر آزمون هاسمن مشخص نمود.

نگاره ۳- آزمون چاو برای انتخاب مدل مناسب

| نتیجه | آزمون چاو یا F لیمر | | |
|-----------------------------|-----------------------|-----------|--------------|
| | سطح | مقدار | آزمون اثرات |
| مدل با اثرات ثابت یا تصادفی | ۰,۰۰۰ | ۱/۶۸ | مقدار F |
| | ۰,۰۰۰ | ۴۱۰/۳۵ | مقدار کای-دو |
| | ۰,۰۰۰ | ۲۳۱ و ۸۸۶ | درجه آزادی |

نگاره ۴- نتایج آزمون هاسمن

| نتیجه | سطح معناداری | مقدار | آزمون اثرات |
|-------------------|--------------|-------|--------------|
| مدل با اثرات ثابت | ۰/۰۴۶ | ۲۱/۹۹ | مقدار کای-دو |

برای انجام آزمون هاسمن ابتدا مدل را به صورت اثر تصادفی تخمین زده و سپس آزمون هاسمن انجام می‌شود. نتایج آزمون هاسمن در نگاره شماره (۴) آمده حاکی از عدم تأیید اثرات تصادفی در برابر اثرات ثابت است.

۶-۲-۲) نتایج آزمون رگرسیون چندگانه برای مدل پژوهش

در نگاره ۵ مدل با اثرات ثابت برآورد شده است. سطح معناداری F برابر با ۰/۰۰۰ است و این مقدار نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنادار است. ضریب تعیین برابر با ۰/۳۱۸ است یعنی در حدود ۳۲ درصد از تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی شرکت توسط متغیرهای تجدید ارائه صورت‌های مالی، تخصص حسابرس در صنعت، رتبه موسسه حسابرسی، اندازه حسابرس، تغییر حسابرس، نوع حسابرس و متغیرهای کنترلی، تبیین می‌شود. هم‌چنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۲۹۸ است که اختلاف چندانی با ضریب تعیین نداشته و نشان می‌دهد که رگرسیون کاذبی وجود ندارد. مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۲/۵۸۴۷ شده است. از آنجایی که این عدد نزدیک به ناحیه بحرانی ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، نشان‌دهنده آن است که بین باقی‌مانده‌ها، خودهمبستگی وجود ندارد.

⁴⁰ Chav Test

نگاره ۵- نتایج آزمون رگرسیون چندگانه برای مدل پژوهش

| متغیرهای پژوهش | مقدار ضرایب | مقدار آماره t | سطح معناداری |
|-----------------------------|---------------|-----------------------|---------------|
| مقدار ثابت | ۰/۰۲۱۱۶۴ | ۰/۷۹۲۹۸۷ | ۰/۴۲۸ |
| تجدید ارائه صورتهای مالی | ۰/۰۰۰۰۰۶۷۵ | ۰/۱۸۹۵۵۶ | ۰/۸۴۹۷ |
| تخصص حسابرس در صنعت | -۰/۰۰۲۵۱۸ | -۴/۰۹۷۰۰۱ | ۰/۰۲۵۶ |
| رتبه موسسه حسابرسی | -۰/۰۰۳۵۵۶ | -۴/۴۵۱۸۲۵ | ۰/۰۰۰۰۰۰ |
| اندازه حسابرس | -۰/۰۰۰۰۱۲ | -۳/۱۲۰۵۹۴ | ۰/۰۴۲۵ |
| تغییر حسابرس | ۰/۰۰۰۰۴۳۸ | ۰/۲۹۸۲۳۸ | ۰/۷۶۵۶ |
| نوع حسابرس | ۰/۰۰۰۴۲۱۷ | ۰/۶۹۱۲۰۹ | ۰/۴۸۹۶ |
| اندازه شرکت | -۰/۰۰۰۰۵۰۹ | -۰/۲۸۶۹۷۷ | ۰/۷۷۴۲ |
| رشد شرکت | ۰/۰۰۰۰۲۶۱ | ۶/۲۱۱۵۵۶ | ۰/۰۰۰۰۰۰ |
| سوددهی شرکت | ۰/۰۰۰۳۳۵۹ | ۱/۰۱۶۶۴۳ | ۰/۳۰۹۶ |
| جریان نقد عملیاتی | -۰/۰۰۰۰۰۰۲۳ | -۲/۶۳۸۰۲۷ | ۰/۰۰۸۵ |
| تراکم کاری حسابرس | ۰/۰۰۰۹۵۵۱ | ۲/۰۶۰۲۲۲ | ۰/۰۳۹۷ |
| ضریب تعیین | ۰/۳۱۸ | مقدار F | ۱/۷۰۶۸ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۲۹۸ | سطح معناداری F | ۰/۰۰۰ |
| آماره دورین واتسون | ۲/۵۸۴۷ | | |

۷. نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر شاخص‌های کیفی حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش برای سنجش کیفیت حسابرسی از سه سنج‌های اندازه حسابرس و تخصص حسابرس در صنعت و دوره تصدی حسابرس استفاده شده است.

در حالت اول؛ اگر معیار اندازه‌گیری متغیر وابسته اندازه حسابرس باشد، بین هزینه‌های نمایندگی و کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. این نتیجه بیانگر این موضوع است که با افزایش هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های مورد مطالعه، تقاضا برای حسابرسی با کیفیت بالاتر نیز افزایش یافته است. همچنین این نتیجه بیانگر این مطلب است که در شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی رسیدگی شده‌اند، هزینه‌های نمایندگی کمتر است. یافته‌های این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. در واقع با افزایش سطح عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت حسابرسی صورتهای مالی شرکت‌های مورد مطالعه کاهش یافته است. این نتیجه بیانگر این موضوع است که در شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی رسیدگی شده‌اند، عدم تقارن اطلاعاتی کمتر است.

بنابراین، به نظر می‌رسد در محیط اقتصادی ایران نوع گزارش حسابرسی نمی‌تواند به عنوان شاخص مطلوبی برای ارزیابی کیفیت حسابرسی تلقی گردد.

۸. محدودیت‌های تحقیق

در فرآیند تحقیق علمی، مجموعه شرایط و مواردی وجود دارد که خارج از کنترل محقق می‌باشد؛ ولی به طور بالقوه می‌تواند نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد. محدودیت‌های این تحقیق به شرح زیر بوده است:

- ۱) در این تحقیق برای محاسبه کیفیت حسابداری از شش سنج‌ی تجدیدارائه صورتهای مالی، تخصص حسابرس در صنعت، رتبه موسسه حسابداری، اندازه حسابرس، تغییر حسابرس و نوع حسابرس استفاده شده است. استفاده از شاخص‌های دیگر برای محاسبه کیفیت حسابرس ممکن است بر نتیجه تحقیق اثرگذار باشد.
- ۲) باتوجه به استفاده از داده‌های مالی حسابداری شده، طبیعی است که کیفیت نتایج این پژوهش تحت تأثیر تورم قرار گیرد که متغیرهای این تحقیق از بابت تورم تعدیل نشده‌اند و این موضوع می‌تواند بر نتایج این پژوهش تأثیرگذار باشد.

۹. پیشنهادات مبتنی بر نتایج تحقیق

باتوجه به یافته‌های این تحقیق، پیشنهادات زیر قابل طرح است:

- ۱) شرکت‌ها برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، حسابرسان متخصص در صنعت مورد نظر را استخدام کنند.
- ۲) اگرچه در این تحقیق، تأثیر تجدیدارائه صورتهای مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی تأیید نشد؛ اما بهتر است شرکت‌ها به پیامدهای تجدیدارائه صورتهای مالی نیز توجه کنند.

۱۰. پیشنهادات برای تحقیقات آتی

- ۱) پیشنهاد می‌شود که تأثیر کیفیت حسابداری با استفاده از سایر شاخص‌های کیفی حسابرس بر عدم تقارن اطلاعاتی مورد سنجش قرار گیرد. همچنین استفاده از روش‌های آماری همچون تحلیل عاملی برای ترکیب سنج‌های کیفی حسابرس می‌تواند به پژوهشگران برای انجام تحقیقات آتی کمک کند.
- ۲) پیشنهاد می‌شود همین پژوهش با دوره‌های زمانی بیشتر در سال‌های آتی توسط محققین تکرار گردد و یافته‌های حاصل با نتایج این پژوهش مقایسه شود.
- ۳) پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر در صنایع مختلف به تفکیک صنعت خاص انجام شود.
- ۴) پیشنهاد می‌شود که تأثیر کیفیت حسابداری بر بازدهی سهام نیز مورد بررسی قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. احمدپور، احمد؛ کاشانی‌پور، محمد؛ شجائی، محمدرضا. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری بر هزینه تأمین مالی از طریق بدهی (استقراض)». **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۶۲، صص ۱۷-۳۲.
۲. احمدی، محمدرمضان؛ جمالی، کامران. (۱۳۹۲). «تأثیر کیفیت حسابداری بر بازده آتی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۱-۲۰.
۳. اعتمادی، حسین؛ محمدی، امیر؛ ناظمی‌اردکانی، مهدی. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». **پژوهش‌های حسابداری مالی**، دوره ۱، شماره ۱ و ۲، صص ۱۷-۳۲.

۴. بهارمقدم، مهدی؛ دولت‌آبادی، مهدیه. (۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌ای کیفیت سود گزارش شده با سود تجدید ارائه شده». **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، شماره ۱۴، صص ۱-۱۹.
۵. پیری، پرویز؛ شیخ‌محمدی، امیر؛ جوادی، نعمت‌الله. (۱۳۹۲). «بررسی ارتباط بین اندازه موسسه حسابرسی و تعداد صاحب‌کاران موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی». **دانش حسابرسی**، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۵-۲۴.
۶. جعفری، علی؛ جعفری، همت؛ حسینی، امیر؛ رسائیان، محمد. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر تغییر حسابرس بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». **دانش حسابرسی**، شماره ۵۱، صص ۲۵-۴۲.
۷. خالقی‌مقدم، حمید؛ احمدخان بیگی، مصطفی (۱۳۹۰). «رابطه محافظه‌کاری و به‌هنگام کردن سودخالص با اندازه شرکت و اندازه موسسه حسابرسی». **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۶۴، صص ۱-۱۸.
۸. رحیمیان، نظام‌الدین؛ رضاپور، نرگس؛ اخضری، حسین. (۱۳۹۰). «نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». **دانش حسابرسی**، شماره ۴۵، صص ۶۸-۸۱.
۹. ساعی، محمدجواد؛ باقرپورولاشانی، محمدعلی؛ موسوی‌بایگی، سیدناصر. (۱۳۹۲). «بررسی فراوانی و اهمیت تجدید ارائه صورتهای مالی». **پژوهش‌های حسابداری مالی**، دوره ۵، شماره ۱، صص ۶۷-۸۶.
۱۰. سجادی، سیدحسین؛ فرازمنند، حسن؛ قربانی، صادق. (۱۳۹۱). «تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی». **پیشرفت‌های حسابداری**، دوره ۴، شماره ۱، صص ۸۱-۱۰۸.
۱۱. علوی‌طبری، سیدحسین؛ بشیری‌منش، نازنین. (۱۳۹۲). «اثر کیفیت حسابرسی و تغییر حسابرس بر بازار سرمایه». **دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت**، دوره ۲، شماره ۶، صص ۶۵-۷۵.
۱۲. موسوی‌شیری، سیدمحمود؛ خلعت‌بری، حسن؛ فیروزبخت، مینا. (۱۳۹۴). «اثر عدم تقارن اطلاعاتی بر بیش‌ارزیابی سهام». **پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی**، شماره ۲۷، صص ۷۳-۹۲.
۱۳. مجتهدزاده، ویدا؛ آقایی، پروین. (۱۳۸۳). «عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان». **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۳۸، صص ۵۳-۷۶.
۱۴. نوری‌فرد، یدالله. (۱۳۷۷). «حسابداری به عنوان یک سیستم اطلاعاتی در ارتباط با هدف‌ها و فعالیت‌های تجاری در راستای تصمیم‌گیری‌های مناسب مدیریت». **حسابدار**، شماره ۱۲۲، صص ۷۶-۷۷.
۱۵. نمازی، محمد؛ بایزدی، انور؛ جبارزاده، سعید. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، شماره ۹، صص ۱۲-۳۰.
۱۶. هاشمی‌شیخ‌شبنانی، سیداحمدرضا. (۱۳۹۴). «بررسی اثر عدم تقارن اطلاعات بر بازده سهام شرکت‌ها». **کنفرانس ملی رویکردهای نوین در علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری**، مازندران، موسسه علمی تحقیقاتی کومه علم آوران دانش.
17. Beatty, R. P. (1989). Auditor reputation and the pricing of initial public offerings. *The Accounting Review*, 64(4), 693-709.
18. Chen, W. P., Chung, H., Lee, C., & Liao, W. L. (2007). Corporate governance and equity liquidity: Analysis of S&P transparency and disclosure rankings. *Corporate Governance: An International Review*, 15(4), 644-660.
19. Chen, K. Y., Lin, K. L., & Zhou, J. (2005). Audit quality and earnings management for Taiwan IPO firms. *Managerial Auditing Journal*, 20(1), 86-104.

20. DeAngelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. **Journal of Accounting and Economics**, 3(3), 183-199.
21. Davidson, R. A., & Neu, D. (1993). A note on the association between audit firm size and audit quality. **Contemporary Accounting Research**, 9(2), 479-488.
22. Deloitte, L. L. P. (2010). Advancing Quality Through Transparency. **Deloitte LLP Inaugural Report** (January).
23. Gaganis, C., Pasiouras, F., & Doumpos, M. (2007). Probabilistic neural networks for the identification of qualified audit opinions. **Expert Systems with Applications**, 32(1), 114-124.
24. Gjesdal, F. (1981). Accounting for stewardship. **Journal of Accounting Research**, 19(1), 208-231.
25. Hölmstrom, B. (1979). Moral hazard and observability. **The Bell Journal of Economics**, 74-91.
26. Hermanson, D. R., Houston, R. W., & Rice, J. C. (2007). PCAOB inspections of smaller CPA firms: Initial evidence from inspection reports. **Accounting Horizons**, 21(2), 137-152.
27. Hakim, F., & Omri, M. A. (2010). Quality of the external auditor, information asymmetry, and bid-ask spread: case of the listed Tunisian firms. **International Journal of Accounting & Information Management**, 18(1), 5-18.
28. Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. **Journal of Financial Economics**, 3(4), 305-360.
29. Jensen, M. C. (1998). Self interest, altruism, incentives, and agency theory. **Foundation of Organizational Strategy**, Harvard University Press
30. Krishnan, G. V. (2003). Does Big 6 auditor industry expertise constrain earnings management?. **Accounting Horizons**, 17, 1-16.
31. Kend, M. (2008). Client industry audit expertise: towards a better understanding. **Pacific Accounting Review**, 20(1), 49-62.
32. Kwon, S. Y., Lim, Y. D., & Simnett, R. (2010). Mandatory audit firm rotation and audit quality: Evidence from the Korean audit market. **Unpublished Paper**, 1-61.
33. Lawrence, A., Minutti-Meza, M., & Zhang, P. (2011). Can Big 4 versus non-Big 4 differences in audit-quality proxies be attributed to client characteristics?. **The Accounting Review**, 86(1), 259-286.
34. Myers, J. N., Myers, L. A., & Omer, T. C. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation?. **The Accounting Review**, 78(3), 779-799.
35. Okolie, A. O. (2014). Audit Quality and Earnings Response Coefficients of Quoted Companies in Nigeria. **Journal of Applied Finance & Banking**, 4(2), 139-161
36. Palmrose, Z. V. (1988). 1987 Competitive Manuscript Co-Winner: An analysis of auditor litigation and audit service quality. **The Accounting review**, 55-73.
37. Titman, S., & Trueman, B. (1986). Information quality and the valuation of new issues. **Journal of Accounting and Economics**, 8(2), 159-172.
38. Van Tendeloo, B., & Vanstraelen, A. (2008). Earnings management and audit quality in Europe: Evidence from the private client segment market. **European Accounting Review**, 17(3), 447-469.
39. Zureigat, Q. M. (2011). The effect of ownership structure on audit quality: Evidence from Jordan. **International Journal of Business and Social Science**, 2(10), 38-46.